

## بر چنین حوزه و روحانیتی چه اموری فرض است چه اموری واجب؟

م. آناهیتا

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ( واحد احیای سنت های حسنه معاونت تبلیغ) پرسش هایی را در رابطه با مسایل جنسی و روابط دختران و پسران در جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده و خواسته که هر کسی در این مورد می تواند راه حل هایی را پیشنهاد بدهد. من هم با توجه به اهمیت موضوع سعی کرده ام هر چه می دانم ارائه بدهم شاید کمکی باشد جهت حل مشکل:

**1) - گذراندن زمان بوسیله افراد جامعه در يك شبانه روز (24 ساعت):** دانشمندان علوم اجتماعی و زیست شناسی ساعات شبانه روز يك نفر را به 3 قسمت تقسیم کرده اند: 8 ساعت کار، 8 ساعت استراحت و تفریح، 8 ساعت خواب.

**1-1) - 8 ساعت خواب:** هر انسان در 24 ساعت نیاز به حد اقل 8 ساعت خواب راحت دارد تا بتواند برای زندگی دو باره تجدید قوا نماید.

**2-1) - 16 ساعت باقی مانده (کار و تفریح و استراحت) :** بنظر می رسد تمام مشکلات در جمهوری اسلامی ایران مربوط به این 16 ساعت باقی مانده از 24 ساعت در شبانه روز است. ببینیم دولت جمهوری اسلامی ایران<sup>1</sup> برای این 16 ساعت و یا يك میلیارد و هشتاد و هشت میلیون ساعت در شبانه روز (16\*68000000) برای جمعیت ایران چه برنامه ای دارد و چه اقداماتی در این جهت انجام داده است؟

**2) - 8 ساعت کار:** پیش نیاز تامین 8 ساعت کار برای تمام نیروی فعال در جمهوری اسلامی ایران تولید و فقط تولید می باشد، تولید به مفهوم عام شامل سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است.

**2-1) - بخش کشاورزی:** جهت تولید در این بخش نیاز به آب، زمین، سرمایه و ابزار تولید و وسایل تولید می باشد، بعبارتی برای تولید برنج، گندم، پنبه و... نیاز است زمین مستعدی، آب مکفی، تراکتور و انواع دنباله بند ها مانند خیش، دیسک، نهر کن و... برای پرورش دام و طیور و آبیان و... نیاز به دام، ساختمان، علوفه کافی و...

**2-2) - بخش صنعت :** نیاز به ساختمان، سرمایه، ابزار و وسایل تولید و...  
**2-3) - بخش خدمات:** که شامل: آموزش و پرورش، مراکز درمان، حمل و نقل و... که نیاز به ساختمان، وسایل آموزشی و وسایل بیمه رستانی و .....

**2-4) - اشتغال نیروی فعال:** با فراهم شدن عوامل تولید سه گانه فوق نیروی کار می تواند مشغول شود و 8 ساعت از 24 ساعت خود را بگذرانند و در عین حال در آمدی کسب و بتوانند زندگی روز مره خود را بر احوالی تامین کنند.

**2-5) - بازار فروش:** مسلماً تولید نیاز به بازار فروش دارد چه در داخل و چه در خارج، که باید به آن توجه شود.

<sup>1</sup> منظور من از مفهوم دولت در این مطلب دولت به مفهوم عام است که شامل تمام دست اندر کاران در جمهوری اسلامی ایران است: از رهبر و نهاد رهبری گرفته تا يك مسنول ساده، از حوزه علمیه قم گرفته تا يك مسجد، از دانشگاه گرفته تا يك کودکستان، از وزارت اقتصاد گرفته تا اداره کشاورزی در يك شهر کوچک، از بخش دولتی گرفته تا بخش خصوصی، از يك استاد دانشگاه گرفته تا يك کارگرو کشاورزی و... بعبارت دیگر هیچ کسی مصون از مسنولیت و پاسخگویی و مسنولیت پذیری نیست هر کس مطابق مسنولیتش باید جوابگو باشد، وظیفه دارند در جهت حل چنین مشکلاتی از جمله روابط جنسی و... قدم بر دارند، مثلاً بخش خصوصی نمی تواند مسنولیتش را گردن بخش دولتی بیاندازد، یا رئیس جمهور به گردن وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی بیاندازد و....

**3- نیروی فعال ( نیروی انسانی در سنین کار - بین 15 تا 65 ساله):** بر پایه سرشماری سال 1375 مرکز آمار ایران نیروی فعال 33.7 میلیون نفر (56 درصد کل جمعیت)<sup>2</sup> و در سال 1384 این تعداد به 38 میلیون نفر (56 درصد جمعیت 68 میلیون نفری سال 1384) رسیده است، از این تعداد 19 میلیون نفر زن و 19 میلیون نفر مرد می باشند. معنی این آمار این است که در ایران دولت با استفاده از تولید در حال حاضر باید 38 میلیون تولید کننده داشته باشد، کل شاغلین در بخش های سه گانه حداکثر 17 تا 18 میلیون نفر می باشند.

**3-1- 20 تا 21 میلیون نفر بیکار (به مفهوم عام کلمه):** ممکن است گفته شود که تعداد زیادی از این بیکاران زن هستند و چون زنان بیشتر خانه دار می باشند، نیازی به کار ندارند، گرچه در ابتدا این استدلال درست بنظر می رسد ولی با توجه به اینکه تقریباً تمام زنان و دختران ما با سواد هستند و حتی عده زیادی تحصیلات عالی دارند و از طرف دیگر به علت جو حاکم بر ایران و جهان ( پیشرفت های صنعتی و امکان های مردم سالاری و دمکراسی و امکان بروز استعداد های همه انسان ها از جمله زنان و امکان اینکه همه انسان از جمله زنان فردا و بدون اتکا به دیگران حق دارند و می توانند مستقل و باید شخصاً زندگی خود از جمله زندگی اقتصادی خود را اداره بکنند ) اشتغال کامل زنان ( شرکت وسیع در تولید اجتماعی) در دستور روز می باشد و حداقلش این است که شدیداً در حال رشد می باشد و از طرفی با توجه به بالا رفتن هزینه های زندگی، زنان بالاجبار باید کار کنند، استدلال فوق نمی تواند نه تنها در حال حاضر بلکه حتماً در آینده نمی تواند قابل قبول باشد.

به فرض اینکه استدلال فوق درست باشد آیا در جمهوری اسلامی برای گذاران 16 ساعت (از 24 ساعت) آنها فکری کرده اند، در گذشته تعداد بچه ها در يك خانواده زیاد بود و در نتیجه زنان فرصت سر خاراندن نداشتند (گرچه در روستا ها زنان تعداد زیادی بچه داشتند و تا حدودی مجبور بودند حدود 30 تا 50 درصد کارهای دامداری و زراعی و قالی بافی و ... را به عهده بگیرند)، ولی در حال حاضر بعد خانوار بویژه خانوار های شهری و طبقات متوسط شهری شدیداً کاهش یافته است، تعداد بچه در يك خانواده ها به 4 نفر، 3 نفر، 2 نفر، و حتی 1 نفر رسیده است.

فرض کنیم که يك زن 2 بچه دارد. به محض اینکه از آب و گل در آمدند و راهی مدرسه شدند حد اکثر چند ساعت (شاید 4 تا 6 ساعت) از 16 ساعت را می توانند پر کنند ( وجود نفت و گاز و برق برای پخت و پز، وجود غذا های آماده و نیمه آماده و ... ) در صورتی که در گذشته زنان با 7 تا 10 بچه که بیشتر شباهت به يك کودکستان و مدرسه و يك پانسیون دار مجبور بودند که از صبح تا دیری از شب کار کنند و تقریباً فرصت سر خاراندن نداشتند. با توجه به اینکه شرایط فوق روز به روز رو به افزایش است، 10 ساعت اضافه وقت در 24 ساعت را چگونه پر کند؟ برای پر کردن بیکاری این خانم های خانه دار مجبور ند پناه ببرند به فیلم های ویدئویی، ماهواره ها و حتی خیابان گردی ( از این مغازه به آن مغازه رفتن از این منطقه به آن منطقه دیگر رفتن)، عده ای از مردها فکر می کنند با ماندن زنها در خانه سالم تر می مانند، چنانچه از مسئله اقتصادی کار زنان بگذریم در موارد زیادی ماهواره ها و انواع و اقسام فیلم های ویدئویی و ... می تواند حتماً فساد پذیر تر باشند.

**4- زنان کار نکنند یا کار بکنند؟** عده ای از جمله بعضی از مراجع تقلید معتقد هستند که اصولاً زن نباید کار کند و بر عکس عده ای از جمله آقای خمینی و بعضی از مراجع تقلید معتقد بودند و هستند که هیچ مانعی برای کار کردن زن نباید باشد.

**4-1- اصل این است که 16 ساعت به شکلی باید پر شود:** چنانچه از مطالب فوق بر می آید، اصل و پایه اینست که بشکلی 16 ساعت وقت آزاد در شبانه روز زنان باید پر شود

<sup>2</sup> نتایج تفصیلی کل کشور، سر شماری نفوس و مسکن در سال 1375 مرکز آمار ایران صفحات يك تا پانزده.

البته فرض می‌گیریم که مسایل اقتصادی و هزینه‌های يك زندگی متعادل و شرافتمندانه و در حد قابل قبول در جامعه ایران حل شده است.

**2-4-** زنان کار کنند: آنهایی که اعتقاد دارند که زن باید کار کند و یا حداقل مانعی برای کار کردن زن نباید باشد، برنامه‌شان این است که از این 16 ساعت، 8 ساعت را کار تولیدی پر می‌کند، البته برای باقی مانده نیز باید برنامه‌شان را ارائه بدهند.

**2-4-** زنان کار نکنند: معتقدین به این عقیده آزاد هستند که این طور فکر کنند ولی نباید فراموش کنند که زنان ( زنان به مفهوم عام یعنی دختران، دختران ازدواج نکرده، زنان ازدواج کرده، زنان ازدواج کرده جدا شده، زنان ازدواج کرده و شوهر از داده بهر دلیل و...) در شبانه روز 16 ساعت وقت اضافه دارند. برنامه عملی و واقعی‌شان در مورد 34 میلیون نفر به ویژه برای زنان بالای 10 ساله - حدود 25 میلیون نفر - چیست؟ بهتر است خودشان جواب بدهند من جوابی در این مورد ندارم.

**5-** بیکاری بزرگ‌ترین مشکل در جمهوری اسلامی ایران (جهان): مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، باید بگویم به نظر من بزرگترین مشکل در جمهوری اسلامی ایران بیکاری به مفهوم عام آن می‌باشد، در داخل ایران هر کسی به شکلی بتواند قدمی در این جهت بردارد می‌توان او را خدمتگذار و طرفدار مردم دانست. آیا مسئولین جمهوری اسلامی ایران در این جهت قدم بردارند؟ به نظر می‌رسد عده نسبتاً زیادی در این وادی‌ها نیستند، و یا اعتقادی به این حرف‌ها ندارند.

**1-5-** تولید و باز هم تولید: تولید بزرگ‌ترین و شاید تنها راه برون رفت از مشکلات مطرح شده می‌باشد، مسلماً مشکلات دیگری که باقی می‌ماند با اتکا به همین تولید و راه‌های دیگر تا حد زیادی قابل حل است (عمدتاً).

قبل از هر چیز باید گفت بازار، فروش محصولات تولیدی یکی از شاخه‌های تولید می‌باشد، حتماً لازم است ولی تبدیل آن، به پایه و همه چیز اقتصاد يك کشور نه تنها بزرگترین اشتباه بلکه می‌تواند در حد خیانت تلقی شود. به عنوان مثال آوردن 50 میلیارد دلار کالا ( واردات رسمی، قاچاق، قاچاق پنهان) از خارج می‌تواند حد اکثر 2 میلیون نفر شغل ایجاد کند ولی تولید 50 میلیارد دلار کالا در داخل شاید ده برابر این شغل درست کند. ( البته این مثال است. مبادلات تجاری با دنیا بجای خود باقی است).

می‌توان گفت که این 50 میلیارد دلار تولید بشکل مستقیم و غیر مستقیم تمام 68 میلیون ایرانی را مشغول می‌کند، دانش آموزان، دانشجویان و تمام سواد آموزان می‌دانند آنچه آموخته‌اند فردا می‌توانند در تولید استفاده کنند، این فکر دیگر وجود ندارد که درس خواندن و تحصیل کردن چه فایده دارد؟ می‌دانند که استفاده عملی‌اش در جامعه و در تولید وجود دارد.

- مسئله بودجه مرکز تحقیقاتی در ایران و جهان: یکی از مسایلی که توسط استادان و دانشگاهیان مطرح هست این است که می‌گویند که بودجه تحقیقاتی مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی ایران نسبت به مراکز تحقیقاتی دنیا و دانشگاه‌های دنیا کم است مثلاً در آلمان بودجه‌های پژوهشی و تحقیقاتی 3 درصد ارزش ناخالص کشور آلمان است (3 درصد مثال است دقیق نمی‌دانم) و در ایران مثلاً 1 درصد است، ولی این دوستان نمی‌گویند که تولید ما چقدر است؟ کشوری که بر پایه واردات می‌چرخد و تولیدی ندارد، بودجه تحقیقاتی می‌خواهد چه کند، تازه اگر هم داشته باشد قرار است در کدام تولید مورد استفاده قرار بگیرد؟ کشوری که فروشنده تولیدات دیگران است، نیازی به تحقیقات ندارد. بعبارت دیگر تحقیقات برای تولید است نه برای دلالتی. پژوهشگران ما بجای اعتراض به واردات بی رویه و انجام گسیخته و دروازه‌های گمرکی باز و دروازه‌های بی‌در و پیکر، به کم یا زیاد بودن بودجه اعتراض می‌کنند.

**(6)- تهاجم فرهنگی و تولید:** عده ای در دهه های اخیر انواع و اقسام بودجه برای تهاجم فرهنگی ( از نظر خودشان) اختصاص داده اند، این افراد خود به دو گروه تقسیم میشوند. عده ای که واقعا خواستار مبارزه با آن هستند و عده ای زیر این پوشش کارهای استعماری خود را انجام و پیگیری می کنند. در مورد گروه اول باید به آنها گفت که بهتر است ابتدا تولید را سر و سامان بدهند و بیکاری مردم را کاهش بدهند و مردم را از نظر اقتصادی تامین کنند و سپس دست به اقدامات دیگر بزنند. اینها باید بدانند بزرگ ترین تهاجم فرهنگی که بوسیله کشور های استعماری از جمله امریکا و اروپا به ایران تحمیل شده، **نابودی تولید** است.

**(7)- 8 ساعت استراحت و تفریح:** به فرض که 8 ساعت کار را با تولید و کار پر کردیم، می ماند 8 ساعت باقی مانده یعنی استراحت و تفریح، که در این مورد دولت باید برنامه اصولی و عملی و واقعی داشته باشد، از تجارب کشورهای دیگر نیز می توان استفاده کرد. ایجاد امکانات متعدد ورزشی - میدان های ورزشی، باشگاه های ورزشی و...- ایجاد محل تفریحی هفتگی، ماهانه، سالیانه در مناطق خوش آب و هوا، کنار دریا، مناطق آثار باستانی، تاسیسات هنری متعدد- سالن های تئاتر، سینما، موسیقی و...-

**(8)- پایان مطلب:** به نظر می رسد که ابتدا باید مشکلات را اولویت بندی کرد و فشار را گذاشت روی اولویت های اول و دوم بدون اینکه به اولویت های بعدی بی توجه باشیم، در ضمن راه حل ها باید با توجه به شرایط کنونی ایران و جهان باشد، راه حل 100 سال پیش، 200 سال پیش، 1000 سال پیش به دلایل مختلف نمی تواند کار گشا باشد. من نمی دانم انگیزه واقعی حوزه علمیه چیست، ولی اگر این اصول اولیه و ابتدائی را هم ندانند، وای بر ملت ایران که چنین حوزه و روحانیتی همچنان بخواهد بر مقدرات این ملت حکومت کند!